

خبر

تکذیب مجدد دخالت در انتخابات هیئت‌رئیس مجلس

● ایرنا: محمود واعظی در صفحه اینستاگرام خود نوشت: انتشار مطالبی مبنی‌بر دخالت در انتخابات هیئت‌رئیسبه و تلاش برای جلوگیری از رأی‌آوری علی مطهری کذب محض و بی پایه و اساس است. او ششم خردادماه گذشته نیز با انتشار یادداشتی در صفحه اینستاگرام خود با رد این شایعه نوشته بود: انتخاب هیئت‌رئیسبه مجلس، حق نمایندگی است و دولت هیچ دخالتی در این امر ندارد، به نظر می‌رسد این‌گونه شایعه‌ها برای ایجاد اختلاف و برهم‌زدن رابطه خوب دولت و مجلس است و هدفی جز کاستن از شیرینی انتخابات ندارد.

ادامه از صفحه اول

ایران پس از داعش

ترامپ باور دارد تجارت ادامه جنگ و جنگ ادامه تجارت است. ازاین‌رو آگاهانه این گفته اسپایکمن را واژگونه به کار می‌گیرد که «اندک قدرتی بیشتر از دیگران موجب تعادل می‌شود»؛ اما در آمریکا همه مانند ترامپ فکر نمی‌کنند. باب کروگر، سناتور دموکرات، از فروش اسلحه به کشورهای خاورمیانه در این شرایط بسیار بیمناک است و از آن به‌شدت انتقاد می‌کند. سود روسیه و اسرائیل در این نزاع‌ات از حدودی تضمین‌شده است. آمریکا تلاش می‌کند عربستان را به‌عنوان نماینده خود در منطقه جا بیندازد تا هژمونی‌اش را گسترش بدهد، اما آنچه استراتژیست‌های آمریکا را درباره تحقق این ایده مردد می‌کند، مسائل داخلی عربستان است. آنان به‌خوبی می‌دانند که عربستان یک کشور نیست؛ بلکه یک کمپانی بزرگ نفتی است، با مدیریتی قبیله‌ای و بی‌مردمی که صورت ندارند. آنان به‌خوبی می‌دانند برای جنگ هم به دموکراسی نیاز است و کشورهای بی‌دموکراسی با مردمی بی‌صورت در لحظه‌های بحرانی جنگ از هر قوم می‌پاشند. ازاین‌رو آمریکا تلاش می‌کند بیش از جنگ با ائتورته خود در کالبد عربستان بدمد و از او به‌ولایتی جعلی بسازد. استراتژیست‌های تاریخ‌گرای آمریکا – که آشخور فکری‌شان کیسینجر است – می‌دانند وضعیت خاورمیانه دوره جنگ‌های ۳۰ساله اروپا را تداعی می‌کند: «به‌راستی جهان خو گرفته است با فریادهای دادخواهی از خاورمیانه برای سرنگون‌سازی نظم منطقه‌ای یا جهانی در چارچوب چشم‌اندازی جهان‌شمول. مطلق‌گرایی همواره در خاورمیانه رواج داشته؛ خاورمیانه‌ای که هم‌اکنون در کشاکش میان روایتی فخر و شکوه دیرینه خویش از یک سو و ناتوانی امروزینه خویش در وحدت بر پایه اصول مشترک مشروعیت جهانی و منطقه‌ای از سوی دیگر گرفتار است». اسرائیل می‌خواهد خود را از آتش جنگ در امان بدارد و به این دلیل است که برای فروپاشی دولت‌های منطقه تلاش می‌کند. مواجعه با کشورهای فاقد دولت و مقتدر و کارآمد ساده‌تر است. سوریه بی‌دولت و لبنان بی‌دولت از نگرانی‌های اسرائیل می‌کاهد؛ حتی اگر این بی‌دولتی‌ها موجب افزایش تروریسم در منطقه شود. از این نقطه شکاف استراتژیک روسیه و اسرائیل شکل می‌گیرد. روسیه بر آن است که حتی با جنگ ثبات را به سوریه بازگرداند. از این منظر ایران و روسیه استراتژی مشترکی را دنبال می‌کنند. کشورهای بی‌دولت در منطقه برای ایران و روسیه مثل انبار باروت‌اند. روسیه در انتخاب هم‌پیمان خود بسیار هوشمندانه عمل کرده است؛ ازاین‌رو با تمام قوا از ایران که نوک پیکان مقاومت در منطقه است، حمایت می‌کند. ایران کشوری است با دولتی مقتدر و ارتش و نیروهای نظامی کارآمد؛ گذشته از اینها ایران کشوری است که تجربه هشت سال جنگ را با موفقیت پشت سر گذاشته است. مواضع ایران و روسیه در هیچ دوره‌ای از تاریخ این‌گونه به یکدیگر نزدیک نبوده است. ایران با حضور در منطقه از امنیت ملی روسیه صیانت می‌کند و روسیه با احترام به تمامیت و استقلال ایران سعی می‌کند به تحقق آرمان‌های انقلاب ایران – تا جایی که با منافع روسیه تضاد نداشته باشد– کمک کند. آمریکا، اسرائیل و عربستان از این نزدیکی استراتژیک بیمناک‌اند و هریک به‌نوعی از این هم‌پیمانی متضرر خواهند شد؛ پس بی‌دلیل نیست که هر سه کشور تلاش می‌کنند به حضورشان در جنگ‌های منطقه شکل و شمایل امنیتی بدهند؛ نه حقوقی و سیاسی؛ زیرا در پس پشت هر جنگ امنیتی نیرو و حضور نظامی خوابیده است که به‌سرعت به دلیل مسائل امنیتی می‌تواند مرزهای خشونت را بی‌محایا درزوردد؛ خشونتی که بیش از آنکه دامن روسیه را بگیرد، دامن ایران و منطقه را خواهد گرفت. ایران وضعیتی پیچیده دارد، چسبید بعد از شکست داعش این وضعیت پیچیده را

شود. هم‌پیمانی استراتژیک با روسیه و هم‌پیمانی

ایدئولوژیک با سوریه نمی‌گذارد ایران به‌راحتی در

منطقه از منافعش صرفه‌نظر کند. ازاین‌رو کار برای

دیپلمات‌های ایران پس از داعش سخت‌تر از قبل

می‌شود. آنچه مهم‌تر از انتخاب یک سیاست خارجی

درست است، باور به مردم و دولتی است که آنان

برگزیده‌اند. مردم نشان داده‌اند پای انتخاب‌های

خود می‌ایستند. نادیده‌گرفتن خواسته‌های مردم،

در مسائل بین‌المللی کار را سخت‌تر و پیچیده‌تر

می‌کند. دولتی‌هایی موفق‌اند که مردم را در پیروزی و

شکست خود شریک می‌کنند.

سرانجام تاریخ قطعی مراسم تحلیف

ریاست‌جمهوری دوره دوازدهم اعلام شد؛ شنبه ۱۴

مرداد ۱۳۹۶، «ایسنا» گزارش داده «روابط‌عمومی

مجلس شورای اسلامی» با صدور اطلاعیه‌ای

اعلام کرد مراسم تحلیف «حسن روحانی» به عنوان

رئیس‌جمهور دوره دوازدهم، در روز شنبه ۱۴ مرداد در

محل صحن مجلس شورای اسلامی انجام می‌شود.

تاریخ تحلیف روحانی پیش از این محل حرف و

حادثه‌هایی شده بود. ابتدا قرار بود مراسم تحلیف

۱۵ مرداد باشد، ولی مدتی بعد، «بهروز نعمتی»،

اعلام کرد که این تاریخ دچار تغییر شده و تاریخ نهایی

از سوی هیئت‌رئیس‌ه اعلام خواهد شد. چندی بعد

«مدیرکل فرهنگی و روابط‌عمومی مجلس» گفت

مراسم تحلیف رئیس‌جمهوری طبق روال قانونی

در اولین جلسه علنی پس از تنفیذ حکم از سوی

مقام معظم رهبری برگزار خواهد شد. اوایل خرداد

«ایسنا» درباره تنفیذ حکم ریاست‌جمهوری روحانی

از سوی مقام معظم رهبری نوشته بود: «مراسم

تنفیذ حجت‌الاسلاموالمسلمین حسن روحانی از

سوی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، مقام معظم رهبری،

۱۲ مرداد در حسینیه امام خمینی (ره) و با حضور

سران قوا و جمعی از مقامات لشکری و کشوری

برگزار می‌شود.

«امضای حکم ریاست‌جمهوری پس از انتخاب

مردم» نهمین بند از اصل ۱۱۰ قانون اساسی است که

به وظایف و اختیارات رهبری مربوط می‌شود. دیگر

بندی که در اصل ۱۱۰ قانون اساسی به رئیس‌جمهوری

مربوط می‌شود، بند ۱۰ آن است: «عزل رئیس‌جمهور

با درنظرگرفتن مصالح کشور پس از حکم دیوان عالی

کشور به تخلف وی از وظایف قانونی یا رای مجلس

شورای اسلامی به عدم کفایت وی بر اساس اصل

هشتادونهم».

پس از مراسم تنفیذ حکم ریاست‌جمهوری از سوی

مقام معظم رهبری، رئیس‌جمهوری باید به مجلس

برود تا در آنجا سوگند یاد کند. اصل ۱۲۱ قانون اساسی

می‌گوید: «رئیس‌جمهور در مجلس شورای اسلامی

در جلسه‌ای که با حضور رئیس قوه قضائیه و اعضای

شورای نگهبان تشکیل می‌شود، به ترتیب زیر سوگند

یاد می‌کند و سوگندنامه را امضا می‌کند». «پسمانکه

الرحمن الرحیم؛ من به عنوان رئیس‌جمهور در پیشگاه

قران کریم و در برابر ملت ایران به خداوند قادر

متعال سوگند یاد می‌کنم که پاسدار مذهب رسمی و

نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی کشور باشم

و همه استعداد و صلاحیت خویش را در راه ایفای

مسئولیت‌هایی که بر عهده گرفته‌ام به کار گیرم و خود

را وقف خدمت به مردم و اعتلای کشور، ترویج دین

و اخلاق، پشتیبانی از حق و گسترش عدالت سازم و

از هرگونه خودکامگی بیرهیزم و از آزادی و حرمت

اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت

شناخته است حمایت کنم. در حراست از مرزا و

استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی کشور از هیچ

اقدامی دریغ نوزرم و با استعانت از خداوند و پیروی

از پیامبر اسلام و ائمه اطهار علیهم السلام قدرتی را

که ملت به عنوان امانتی مقدس به من سپرده است،

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشم و آن را به

منتخب ملت پس از خود بسپارم». مرسوم است که

رئیس قوه قضائیه هم هنگام سوگند رئیس‌جمهوری،

در کنار او بایستد.

تاکنون هفت نفر در ۱۱ دوره ریاست‌جمهوری

به عنوان رئیس‌جمهوری از تریبون مجلس سوگند

خورده‌اند: «ابوالحسن بنی‌صدر»، شهید «محمدعلی

رجایی»، آیت‌الله «سیدعلی خامنه‌ای»، مرحوم آیت‌الله

«هاشمی‌فسنجانی»، حجت‌الاسلام «سیدمحمد

خامنی»، «محمود احمدی‌نژاد» و حجت‌الاسلام

«حسن روحانی».

دوره اول بنی‌صدر: دوره دوم رجایی

بنی‌صدر بهمن ماه ۱۳۵۸ توانست از مجموع ۲۰

میلیون رأی، ۶۸ درصد آرا را کسب کرده و در این

انتخابات پیروز شود تا نخستین رئیس‌جمهوری ایران

نام بگیرد. ۱۰ روز بعد، یعنی ۱۵ بهمن ماه ۱۳۵۸ مراسم

تنفیذ حکم بنی‌صدر در شرایطی که امام خمینی(ره)

در بیمارستان قلب تهران بستری بودند، در همان

بیمارستان انجام شد. پس از تنفیذ رئیس‌جمهوری، در

۲۴ اسفند، برای نخستین دوره مجلس شورای اسلامی

رای‌گیری و هفتم خرداد ۱۳۵۹، مجلس تشکیل شد؛

پس از آن بود که ۳۱ تیر ۱۳۵۹، بنی‌صدر به مجلس

رفت و سوگند یاد کرد. به همین جهت دوره اول

ریاست‌جمهوری را می‌توان رکورددار فاصله بین

انتخابات و تحلیف دانست. مرحوم هاشمی‌فسنجانی

سیاست



۱۴ مرداد: آغاز رسمی دوره دوم ریاست‌جمهوری روحانی

در انتظار سوگند

هاشمی‌فسنجانی به ریاست‌جمهوری انتخاب شد. در مراسم تحلیف خود غیر از سوگند حرف بیشتری نگفت. با نیمه‌تمام‌ماندن دوره ریاست‌جمهوری بنی‌صدر و اتفاقات خرداد ۱۳۶۰ که به طرح عدم کفایت سیاسی و عزل بنی‌صدر منجر شد، به فاصله حدودا یک ماه از برکناری بنی‌صدر، انتخابات دور دوم برگزار شد. دوم مرداد ۱۳۶۰ «محمدعلی رجایی» با ۱۴ میلیون رأی دومین رئیس‌جمهوری ایران شد. مراسم تنفیذ حکم ریاست‌جمهوری او ۱۱ مرداد از سوی امام خمینی برگزار شد و ۱۴ مرداد به مجلس رفت و تا اکثریت تحلیف را انجام دهد. شهید رجایی هم در مراسم تحلیف خود تنها به ادای سوگند اکتفا کرد.

دور سوم و چهارم: آیت‌الله خامنه‌ای

کمت‌ر از یک ماه پس از انتخاب رجایی، با انفجار دفتر نخست‌وزیری از سوی منافقین و شهادت رجایی و باهر، برای بار سوم در کمتر از دو سال نیاز به رای‌گیری شد. دهم مهر ۱۳۶۰ آیت‌الله خامنه‌ای را رای اکثریت به عنوان رئیس‌جمهوری سوم انتخاب شدند. ایشان ۱۷ مهر ماه ۱۳۶۰ برای مراسم تنفیذ راهی حسینیه جماران شدند و ۲۱ مهر هم در مجلس شورای اسلامی طبق اصل ۱۲۱ قانون اساسی سوگند یاد کردند. در این مراسم که چند ماه پس از انفجار هفتم تیر بود،

دیگر آیت‌الله «بهشتی» به عنوان رئیس دیوان عالی کشور در کنار رئیس‌جمهوری حاضر نبود و مرحوم آیت‌الله «عبدالکریم موسوی اردبیلی» به جای شهید بهشتی حاضر بود. مردادماه ۱۳۶۴ انتخابات چهارمین دوره ریاست‌جمهوری برگزار شد و آیت‌الله خامنه‌ای برای بار دوم به این سمت انتخاب شدند. مراسم تنفیذ شهریورماه

برگزار شد و ۱۸ مهرماه هم مراسم تحلیف. به نوشته «باشگاه خبرنگاران»، ایشان در مراسم تحلیف پس از ادای سوگند، گفتند: «قانون اساسی ابزارهای لازم برای عمل به این سوگند را مشخص کرده است. در صورتی که رئیس‌جمهور این ابزارها را در اختیار داشته باشد خواهد توانست به این سوگند عمل کند وگرنه این سوگند، حکم فقهی‌اش برای فقه‌ها روشن است».

ایشان افزودند: «ملت‌های مسلمان جهان می‌خواهند امیدها و آرزوها و نقشه‌ترسیم‌شده‌در ذهنشان از حکومت اسلام را در نظام جمهوری اسلامی ایران مجسم ببینند، همه ملت‌هایی که فریاد حق‌طلبانه ملت ایران به آنها امید بخشیده و امکان مقابله با قدرت‌های جهانی و ایستادن روی پای خود و اداره یک جامعه وجه صحیح را بر آنها روشن و مسلم کرده از مسئولان کشور توقع و انتظاراتی دارند». ریاست هر دو مجلسی که ایشان در آن سوگند یاد کردند، برعهده مرحوم هاشمی‌فسنجانی بود.

دوره پنجم و ششم: هاشمی‌فسنجانی

نخستین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری فضای متفاوتی داشت. اولین انتخابات بدون امام خمینی بود؛ آیت‌الله خامنه‌ای که تا پیش از درگذشت امام، رئیس‌جمهوری بود، پس از درگذشت امام با رای مجلس خبرگان برای رهبری انتخاب شدند. در فاصله ارتحال امام خمینی(ره) و انتخابات پنجمین دوره ریاست‌جمهوری، امورات مربوط به رئیس‌جمهوری را حضرت آیت‌الله خامنه‌ای انجام می‌دادند. مردادماه ۱۳۶۸، دو ماه پس از درگذشت اسام، پنجمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری برگزار شد و مرحوم آیت‌الله

هاشمی‌فسنجانی پنجمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری فضای متفاوتی داشت. اولین انتخابات بدون امام خمینی بود؛ آیت‌الله خامنه‌ای که تا پیش از درگذشت امام، رئیس‌جمهوری بود، پس از درگذشت امام با رای مجلس خبرگان برای رهبری انتخاب شدند. در فاصله ارتحال امام خمینی(ره) و انتخابات پنجمین دوره ریاست‌جمهوری، امورات مربوط به رئیس‌جمهوری را حضرت آیت‌الله خامنه‌ای انجام می‌دادند. مردادماه ۱۳۶۸، دو ماه پس از درگذشت اسام، پنجمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری برگزار شد و مرحوم آیت‌الله

مقام معظم رهبری انجام شد و ۱۷ مرداد هم او برای مراسم تحلیف به مجلس شورای اسلامی رفت؛ این‌بار

رئیس مجلس «مهدی کروبی» بود. خاتمی در این

مراسم گفت: «استقلال و آزادی دو پایه استوار نظام

جمهوری اسلامی ایران است. حق آحاد مردم است

که بگویند، بداندند و سخن خود را بیان کنند و پرسش

و اعتراض خویش را مطرح کنند و در جهان پیچیده

امروز علاوه بر اجرای اصل امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر

و حق همگانی به‌خاطر پیچیدگی‌های موجود، این حق

از جمله از طریق نهادهای مدنی، تشکلهای قانونی،

وسایل ارتباط‌جمعی و تأمین آزادی‌های فردی و

جمعی تحقق پیدا کند. این مسئولیت بزرگ که متوجه

رئیس‌جمهور است، نشانه حساسیت و اهمیت جایگاه

و پایگاه ریاست‌جمهوری است». «دولت‌های هفتم و

هشتم به دلیل گفتمانی که خاتمی با خود وارد عرصه

سیاست ایران کرد، به دولت‌های اصلاحات معروفند.

دوره نهم و دهم: محمود احمدی‌نژاد

نهمین دوره ریاست‌جمهوری با سایر دوران انتخابات متفاوت بود؛ برای اولین‌بار روشن‌شدن نتیجه انتخابات به مرحله دوم کشیده است. سوم تیر ۱۳۸۴، «محمود احمدی‌نژاد» در دوره دوم انتخابات با آیت‌الله «هاشمی‌فسنجانی» به رقابت پرداخت و هاشمی‌فسنجانی نفر دوم این انتخابات شد. مراسم تنفیذ «احمدی‌نژاد» ۱۲ مرداد برگزار شد و ۱۵ مرداد به مجلس رفت تا سوگند یاد کند. ریاست مجلس را «غلامعلی حدادعادل» بر عهده داشت. احمدی‌نژاد در این مراسم گفت: «بهترین ژست دیپلماتیک، پایبندی به قوانین است. در کشور ما دموکراسی واقعی وجود دارد و قوا مستقل از یکدیگر هستند و اگر بپذیریم که قوه مجریه در کار مقننه دخالت کند، مفهومش دیکتاتوری است؛ بنابراین من حامی اجرای قانون هستم و از تمام ظرفیت قانون برای استیفای حق مردم استفاده خواهم کرد… اعتدال، مشی دولت است و هر نوع افراط و تفریط جایی در این دولت ندارد و به همه فرصت‌ها، توان‌ها و مایستگی‌ها اتکا خواهد شد. به‌شرف‌ت و منافع ملی و عزت همگانی در این دولت مدنظر خواهد بود».

دوره دهم انتخابات ریاست‌جمهوری شاهد بالاترین مشارکت مردمی بود؛ انتخابات دهمین دوره ریاست‌جمهوری ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ بین «میرحسین موسوی»، «مهدی کروبی»، «محسن رضایی» و «محمود احمدی‌نژاد» برگزار شد. ۱۲ مرداد «محمود احمدی‌نژاد» برای مراسم تنفیذ حکم ریاست‌جمهوری از سوی مقام معظم رهبری، راهی حسینیه امام خمینی شد. او ۱۴ مرداد هم به بهارستان رفت و در مجلس هشتم به ریاست «علی لاریجانی» سوگند یاد کرد.

دوره یازدهم و دوازدهم: حسن روحانی

با پایان کار احمدی‌نژاد، یازدهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری در ۲۴ خرداد ۱۳۹۲ برگزار شد و حسن روحانی توانست اکثریت آرای مردم را کسب کند و راهی پاستور شود. حکم ریاست‌جمهوری روحانی ۱۲ مرداد از سوی مقام معظم رهبری تنفیذ شد و فردای آن روز به بهارستان رفت و در مجلس نهم به ریاست علی لاریجانی، سوگندت یاد کرد. او در این مراسم گفت: «مردم شریف ایران به اعتدال‌گرایی و دوری از افراط و تفریط رای مثبت دادند. کانون فکری و اجرایی دولت بر محور اعتدال و عقلانیت بنا خواهد شد. اعتدال‌گرایی به‌معنای توازن میان آرمان و واقعیت و ترجیح منافع ملی بر منافع حزبی و جناحی است. اعتدال‌گرایی بر اجماع ملی، قانون‌گرایی و برابری در تعاملات سیاسی تأکید می‌کند. بنیان این مرام فکری و عملی، فاصله‌گرفتن از تخیل و توهم و تمرکز بر تفکر، برنامه، شفافیت و استفاده از تخصص‌هاست. دولت تدبیر و امید نهایت اهتمام خود را به کار خواهد گرفت تا بر مبنای اهداف و روش‌های عقلایی و متناسب با واقعیت‌های موجود، اعتدال را شالوده عملکرد و مدیریت کشور قرار دهد. تهدیدها را کاهش داده و فرصت‌ها را افزایش دهد. اعتدال‌گراییی بر اخلاق و مسداز اصرار می‌ورزد و از طریق گفت‌وگو، تفاهم و تدوین برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت سعی خواهد کرد شکاف‌های اجتماعی و اقتصادی را به حداقل ممکن برساند».

۲۹ اردیبهشت سال جاری نیز دوازدهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری با پیروزی «حسن روحانی» پایان یافت تا برخلاف شعارهای رقیب، روحانی تدوره‌ای نباشد. او باید حدود یک ماه دیگر برای تدوین مراسم تنفیذ حکم ریاست‌جمهوری خود راهی حسینیه امام خمینی شد و صبح شنبه، ۱۴ مرداد به مجلس دهم به ریاست علی لاریجانی برود و سوگند یاد کند.

به جماران گفته بود: «ستاد اقامه نمازجمعه باید از رئیس‌جمهور و مردم عذرخواهی کند». بهروز نعمتی هم در واکنش به حواشی نماز عید فطر در اینستاگرام خود نوشته: «امروز در تریبون مقدس نماز عید فطر شاهد مداحی وحدت‌شکنانه بودیم (البته متوجه ارتباط مداحی با بجام نشدم). خیلی‌ها به مداح ایراد می‌گیرند؛ اما سؤال من از مسئولان برگزارکننده به‌ویژه برادر ارجمند حضرت حجت‌الاسلام تقوی است؛ آیا طرح این‌گونه موارد با هماهنگی بوده یا خیر؟ اگر از قبل هماهنگ شده است که بدا به حال ما. اگر هم هماهنگ نشده که ایراد بزرگی است بر نحوه مدیریت شما. البته مدت‌هاست از این تریبون مقدس در اختیار شما، از این قبیل موارد و تذت‌ر شنیده می‌شود؛ ولی ظاهرا قصدی بر اصلاح نیست». بسیاری دیگر از چهره‌های سیاسی و اصلاح‌طلب هم به این ماجرا واکنش نشان دادند.

فطر رخ داده، به ایسنا گفت: «مسئولیت برگزاری این مراسم با ستاد اقامه نمازجمعه تهران بوده است و ما از آقای میثم مطیعی که سالی گذشته هم به عنوان مداح در این مراسم حضور داشت و اجرایش با استقبال حضاران مواجه شده بود، دعوت به حضور کرده بودیم. ما همان‌طور که از دانش‌جویانی که پیش از خطبه‌های نماز جمعه سخنرانی می‌کنند، درخواست ارائه متن سخن‌شان را نداریم، اساسا چنین درخواستی را بی‌احترامی قلمداد می‌کنیم. سیدرضا تقوی، رئیس شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه هم در ماجرای اخیر میثم مطیعی گفته بود از موضوعی بی‌اطلاع است و ستاد اقامه نمازجمعه تهران باید پاسخ‌گو باشد. گفته بود این موضوعات ارتباطی به شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه ندارد. مجید انصاری، معاون حقوقی رئیس‌جمهوری،

روزنه

موج‌سواری بر بازداشتی‌که انجام نشد

● شرق: «سخنگوی قوه قضائیه ادعای بازداشت دو نفر از خبرنگاران خبرگزاری فارس را تکذیب کرد». این خبر کوتاه پایانی بود بر موج سواری و جنجال‌آفرینی نزدیک به یک هفته‌ای جمعی که در پی مصادره بحث «آزادی بیان» به سود خود بودند و با خبرسازی‌هایشان سعی در تضعیف رئیس‌جمهوری و حامیان‌اش داشتند. نه بازداشتی در کار بود و نه حبسی، ماجرا بازجویی چندساعته‌ای بود که به احضار متهمان حوادث روز قدس در دو روز انجامید. «ح.ط.» و «ع.» دو متهم اصلی حوادث راهپیمایی روز قدس و همجه علیه حسن روحانی بودند که دو روز پس از ورود دستگاه‌های امنیتی و قضائی به ماجرا، از سوی دستگاه‌های ذی‌ربط احضار شدند. در پی این احضار چند ساعته، جمعی جنجال‌سازی کردند و از تریبون‌های پرسیروصدایشان مدعی شدند این افراد به‌دلیل انتقاد از رئیس‌جمهوری بازداشت شده‌اند. آنها که مدعی توجه به اصل آزادی بیان بودند نوشتند این اقدام نهادهای اطلاعاتی چه سختیتی با آرمان‌ها و وعده‌های حسن روحانی برای گشایش فضای سیاسی و آزادی بیان دارد؟ ماجرا که داغ فعالان سیاسی و صاحب‌نظران اصلاح‌طلب هم به میدان آمدند و خواستار رعایت قانون و حقوق شهروندی در پیگیری ماجرای هتاکي به رئیس‌جمهوری از سوی مراجع ذی‌ربط شدند. فریادهای تندروها در حمایت از خبرنگارانی که به‌دلیل اهانت به رئیس‌جمهور راهی بازداشت شده بودند- البته به ادعای آنها بازداشت شده بودند- ادامه داشت و هر روز داغ‌تر می‌شد، در نهایت غلامحسین محسنی‌آزای، سخنگوی قوه قضائیه، به ماجرا وارد شد و گفت ادعای بازداشت خبرنگاران فارس کذب است.

ماجرا چه بود؟

در جریان راهپیمایی روز قدس، گروهی از شرکت‌کنندگان در این راهپیمایی در واکنش به نقدهای حسن روحانی از سیاه پاسداران، شعارهایی علیه او مطرح کردند. پس از انتشار فیلم اهانت به رئیس‌جمهور، در گمانه‌زنی‌های رسانه‌ای نقش خبرنگاران فارس روشن شد. بحث توهین به روحانی آن چنان داغ و غیرمنظره بود که وزارت کشور، قوه قضائیه و نمایندگان مجلس یکی پس از دیگری به میدان آمدند و از ابیدها و شبانه‌های ورود به این ماجرا سخن گفتند و پروژه تندروها در حمله به رئیس‌جمهور را دشمن‌شادکن و غیراخلاقی توصیف کردند. تحلیل ماجرا و ضرورت مقابله با مجریان آن به تیت‌ر یک رسانه‌ها بدل شد و هنوز ماجرا از تب‌وتاب رسانه‌ای نیفتاده بود که ۲۴ ساعت بعد خبر آمد: «دو

نفر از خبرنگاران فارس که در گمانه‌زنی‌های رسانه‌ای هویت‌شان محرز شده بود بازداشت شده‌اند». یاسر جبرائیلی، معاون سردبیر خبرگزاری فارس، اولین کسی بود که ادعای بازداشت خبرنگاران فارس را از کانال تلگرامی‌اش منتشر کرد و در شکواییه‌ای بلندبالا نوشت: «وزارت اطلاعات به‌دلیل ناعلمومی (ح.ط.) از دبیران خبرگزاری فارس را احضار و ظاهرا بازداشت کرده است». در پی آن محسن جبرائیلی به میدان آمدند و در شبکه‌های مجازی ادعای بازداشت همکارانشان را بی‌گرفتند و هشتگ‌هایی هم برای وحدت‌مواضعشان ساختند، همسر یکی از خبرنگاران یادشده نیز عکس دخترانش را در شبکه‌های مجازی منتشر کرد و نوشت آنها دلنگ پدر هستند. رسانه‌های اصولگرا همچنین با طرح وعده‌های حسن روحانی برای گشایش فضای سیاسی کشور، عملکرد دولت را نشانه گرفتند و خواستار آزادی بیان و پایبندی دولت به این وعده رئیس‌جمهور شدند.

اصلاح‌طلبان چه گفتند؟

ادعای خبرگزاری فارس در شبکه‌های مجازی دست به دست شد و این‌گونه القا شد که این دو خبرنگار بازداشت شده‌اند، به‌دلیل این خبرسازی بود که اصلاح‌طلبان هم ساکت نماندند و با وجود انتقادهایی که بر رویه کاری خبرنگاران بازداشت‌شده به‌ویژه «ح.ط.» در حوادث پس از انتخابات دهمین دوره ریاست‌جمهوری و ماجرای انتشار عکس‌های خصوصی مینو خالقی، نماینده درصلاحیت‌شده اصفهان در انتخابات گذشته مجلس شورای اسلامی داشتند به میدان آمدند و خواستار پیگیری ادعای مدیران خبرگزاری فارس شدند. از جمله اینکه علی شکویری‌راد، دبیرکل حزب اتحاد ملت، در توییتش از دستگاه قضائی خواست را آزاد و با همدستاش به‌صورت علنی و قانونی محاکمه کند. همچنین عبدالله رمضان‌زاده، سخنگوی دولت اصلاحات، در توییتش نوشت: «بازداشت کسی که احتمال فرارش مناسب توسط بازپرس، منطقی نیست».

آخرین واکنش جنجال‌سازان

اما این پایان داستان نبود و خبرگزاری فارس ذیل انتشار سخنان آزاده‌ای نوشت: «…خبرگزاری فارس که تا این لحظه به‌دلیل رعایت مصالح کشور از ورود مستقیم به این ماجرا خودداری کرده بود، اکنون براساس سخن صریح سخنگوی قوه قضائیه، مراجعه پنجشنبه دو خبرنگار خود به نهاد امنیتی مذکور را لغو کرده تا روشن شود مأموران این نهاد براساس کدام حکم قضائی اقدام به احضار و بازجویی از این دو خبرنگار کرده‌اند و در صورت مشخص شدن هرگونه اقدام خلاف قانون، حق خود برای پیگیری قانونی را محفوظ خواهد داشت.»… حال باید دید که پاسخ قوه قضائیه، خبرگزاری فارس و همفکرانش را از پیگیری رویه یک